۱. .به قلمپر خوش اومدی پاپاتونده. مرسی که اومدی. اول خودت رو معرفی کن، اسم و محل زندگی! اگر شاغلی و مایلی که بگی شاغلی! شغلت رو، مقطع تحصیلی و رشته و تعداد خواهر، برادر و اینا رو بگو .

امیررضا قادری هستم از رشت متولد ۲۰ آذر ماه ۱۳۷۴ (نخواسته بودین؟). شاغل نیستم، امسال کنکور داشتم، ان شاء الله داریم می ریم دانشگاه اگه بطلبدمون! :hammer: برادر ندارم، ۳ تا خواهر بزرگتر از خودم دارم، اینا به شما چه اصلا؟ :ygrin:

۲. امیر کیه؟ خصوصیات اخلاقیش چیه و به نظر خودش بهترین و بدترین صفتی که داری کدومان؟

سوالتون جالب بود برام، امیر به نظرم مرد درون آینه است. در واقع امیر خودم منم، یه پسر گنده مجبورم توی کالبدش زندگی کنم.(خیلی فلسفیش کردم نه؟! :ygrin:) خصوصیات اخلاقیش چیه؟ والا خودمم نمی دونم! :hammer: خصوصیات مثل عصبی بودن، نجوش بودن، بی نمک و یخ بودن، تنبل بودن، ترسو بودن، نداشتن اعتماد به نفس، گوشه گیری، بی تفاوتیم در بعضی موارد در کنار مهربون بودن و این حس کمکم به دیگران، قوی بودنم در مقابل مشکلات، باهوش بودن و غیره رو جز صفات اخلاقیم می دونم. بهترین صفتم به نظرم با هوش بودنه، خیلی از هوشم لذت می برم (باور کنید آدم متکبری نیستم.) بدترین صفتی هم که دارم، نداشتن اعتماد به نفس کافیه! در واقع به خودم باور ندارم، با اینکه می دونم با هوشم ولی همیشه می گم از من باهوش تر هم هست.

۳. چطور با سایت آشنا شدی؟ شناسه ی قبلیت اسکورپیوس مالفوی بود. چرا تغییرش دادی؟ با اسکورپیوس کمرنگ تر بودی. چرا؟

باید به عرضتون برسونم که از طریق دوست عزیزم، کینگزلی شکلبوت(رضا موسوی) اون موقع با سایت آشنا شدم. من تجربه ی ایفای نقش داشتم، پیش از اون در سایت نوقلم. دلم هنوزم برای اون سایت تنگ می شه. اینجا باید یه اعترافی بکنم. من مجموعه کتاب های هری پاتر رو نخوندم! (ملت: :ysurp:) همین باعث شد که شخصیتی مثل اسکورپیوس رو که می دونستم پرداخت نشده انتخاب کنم. اون زمان به ما اجازه نمی دادن که شخصیت غیر هری پاتری برداریم. پس من اسکورپیوس رو ور داشتم. اسکورپیوس به هیچ وجه کم رنگ نبود. بلکه یکی از پر رنگ ترین آدمای دوره ی خودش بود اما خیلی زود محو شد و توی کمرنگ ترین یا لااقل یکی از کمرنگترین دوره های جادوگران حضور داشت. همین باعث شده فکر کنید کمرنگ بوده. در حالی که اشتباه می کنین.

٤. اوایل عضویتت چه افرادی بهت بیشترین کمک رو کردن؟ الان خیلی خوب جا افتادی تو سایت اما از حسی که اون موقع به عنوان اسکورپیوس تازه وارد داشتی برامون بگو؟

واسه اینکه توی این سایت جا بیفتم، لرد سیاه کمکم کرد. همونطوری که گفتم من قبلا در سایت نوقلم بودم و اونجا کسی که به من کمک کرد تا یه عضو ایفای نقش واقعی بشم، کینگزلی شکلبوت قدیمی بود.

۵. پاپاتونده از کجا اومد؟ چرا انقد مخوفه؟ :ygrin: گنگستره؟ :ygrin: چی داری تو سرت از پاپاتونده؟ با جزئیات معرفیش کن لطفا .

پاپا تونده از سریالی به اسم اوریجینالز اومده. این سریال یه جورایی یه سریاله که از دل سریال معروف و پر طرفدار(و البته به نظر من مزخرفه:sot3:) ومپایر دایریز اومده. همون جوری که می شه حدس زد، تونده یه شخصیت منفیه چون توی این دو تا سریال شخصیت های اصلی خون آشامن، این باعث می شه موجوداتی مثل جادوگرا منفی نمایش داده بشن. پاپا تونده حقیقتا یه جادوگره، یه جادوگر سیاه. تخصصش اینه که نیروی ماورایی افراد رو از تنشون بیرون می کشه و به یه جسم دیگه یا به خودش انتقال می ده.

چرا اینقدر مخوفه؟ این پاپا حقیقتا توی یه قسمت از کل سریال بود. وارد سریال شد، پدر خون آشام ها رو در آورد. ته قسمت هم خودکشی کرد که جامعه ی جادوگری قوی تر بشه! خیلی هم توی فضا های دارک و اینا بود که خیلی در ترسناک شدنش، تاثیر مثبت داشت. گنگستر هم نه نیست.

چیزی که من از پاپا تونده پیاده کردم، نصف قابلیت های پاپا تونده ی توی سریال نیست. توی سریال پاپا تونده یه مار داره، دو تا برده که دارن دائما بهش نیرو انتقال می دن. یه چاقو که توش نیروی ومپایر ها ذخیره شده و باقی موندنش توی بدن باعث می شه، یه خون آشام اصیل یا هر موجودی که در برابر جراحت نامیرا باشه حسی بدتر از مرگ رو تجربه کنه! اما اینا حقیقتا به فضای جادوگران نمی خورد. من سعی کردم ازش همون بعد تاریک بودن رو بیرون بیارم. اینکه بدون چوب دستی جادو می کنه و اینا هم دلیلش این بود که می خواستم کمی خاص ترش کنم نسبت به بقیه ی جادوگرا. همینطوری که توی سریال هم قوی ترین پرستیژ رو داشت. فکر کنم کافی باشه دیگه!

٦. اگه کلاه گروه بندی روی سر امیر قرار میگرفت، اون رو به چه گروهی میفرستاد؟ چرا؟ تا حالا شده با یه هری پاتریست حرف بزنی در مورد گروهی که ممکن بود توش بیفتی و اونم نظر بده راجع به تطبیق شخصیتت با یکی از چهار گروه؟ اگر بله، خودتم باهاش موافق بودی؟

فکر کنم ریونکلا، با هری پاتریست هم حرف نزدم. احتمالا به خاطر هوشم میرم ریونکلا چون سخت کوش نیستم که برم هافلپاف، شجاع نیستم که برم گریفیندور، بلند پرواز هستم ولی اسلیترینی ها یه ذره یه جورین، می دونین اون اصالت و غرور تکبر وحشتناکشون به نظرم در من نیست ولی بعد از ریونکلا، می رفتم اسلیترین!

۷. **نظرت رو در مورد چهار گروه هاگوارتز بگو جداگانه. از عملکرد کلاه راضی هستی؟**

خب من دو بار عضو جادوگران شدم و هر دو بار هافلپافی بودم. در واقع سه بار عضو شدم البته ولی یه بارش حتی یه پست هم نزدم. نمی دونم توی گروه های دیگه چه خبره اما می تونم یه سری توضیحات بدم. گروه ما خیلی خیلی گروه صمیمی بود در دوره ی اول و این دوره طوری که من تجربه کردم. در دوره ی قبلی که من بودم به جرئت می گم ما بهترین گروه هم بودیم. تام ریدل فعلی، روفوس اسکریم جیور، لودو بگمن،دانگ، رز ویزلی، کینگزلی(همون تافتی) و یه عالمه اسم بزرگ دیگه که در کنار هم بودیم. این دوره بخوایم صادق باشیم بهترین گروه نیستیم ولی باز هم صمیمیتمون رو حفظ کردیم.

اسلیترین در هر دو دوره ای که بودم اعضای خاص خودش رو نداشت و بیشتر مرگخوار ها اونو تشکیل می دادن، کسایی که بیشتر برای مرگخوار بودن فعالیت می کردن تا اسلیترینی بودن. الان هم حس می کنم همینطوره، اسلیترین ها کلا به نظرم بیشتر مرگخوار ها رو تشکیل می دن تا یه گروه هاگوارتزی!

ریونکلاو گروه مورد علاقه ی منه! اعضاش خیلی خوبن، اعضاش خیلیا رفیقای قدیمی منن. خیلی گروه منسجم و خوبی هستند. من اولین بار که عضو شدم می خواستم عضو ریونکلاو بشم که به اصرار کینگزلی منصرف شدم و رفتم هافلپاف. خیلی هم از انتخاب هافلپاف راضیم. نظر بیشتری راجع به ریون نمی دم.

گریفیندور، این گروه بهترین اعضای تازه وارد سایت رو داره و همونطوری که انتظار می ره، بهترین گروه کتاب یه جورایی در هر دوره ای از سایت قدرتمنده! کلا از این که عضو گریفیندور باشم، خوشم نمیاد. هیچوقت دوست نداشتم در جهتی شنا کنم که همه ی ملت شنا می کنن. این تعداد زیادی که میرن گریف هر سال، یکی دو تا نویسنده ی خوب هم ازشون در بیاد کافیه تا گریف رو همیشه جز بهترین گروه ها قرار بده!

وجود کلاه عاقلانه اس، عدم وجود کلاه باعث می شه گروهی مثل گریفیندور یا اسلیترین خیلی اعضاش زیاد بشن. یه سری معایب هم داره، مثلا من اگه در دوره ای که کلاه بود، عضو سایت می شدم و به هافلپاف نمی رفتم، الان دیگه نویسنده ی سایت نبودم. من به خاطر رفیقم (کینگزلی) عضو سایت شدم و به خاطر اون فعالیت کردم، اگه کنار اون نمی بودم، دیگه فعالیتم معنی نمی داد.

۸. **نظرت در مورد سیستم جدید گروه بندی چیه؟ کلاه خوبه یا بهتر بود مثل قبل انتخاب با خود افراد باشه؟**

خوبه به نظرم خیلی بهتر از نظر صد در صدی اعضائه اما همینطوری که بالاتر گفتم، برای افرادی که به دلیل خاصی عضو سایت می شن، ضرر داره! اونا هم یه راه حل خوب دارن می تونن عضو سایت نشن! :hammer:

۹. **اگه همین الان بهت بگن باید حتما یه شخصیت هری پاتری رو انتخاب کنی، کدوم شخصیت رو برمیداری و چرا؟اصلاً ناشناس و گمنام رو ترجیح میدی یا یکی از شخصیتای شناخته شده رو؟**

یحتمل از سایت می رم! جدی من باید یه اعترافی بکنم، من کتابای هری پاتر رو نخوندم!(ملت:o-:) جالب تر از اون فیلماشم ۵ تا اول رو وقتی بچه بودم دیدم!(ملت:L-:) به همین خاطر دفعه ی اول از سایت رفتم و شخصیت های هری پاتری رو خوب نمی شناسم. ترجیح می دم یه شخصیت ناشناخته داشته باشم. همون اسکورپیوس رو دوباره بر می داشتم.

۱۰. **این ترم هاگوارتز جادوگران چجور جاییه؟ چقدر مفیده برای تازه واردا به نظرت؟ استاد ها رو چطور می بینی؟ کلاس محبوبت کدومه؟**

هاگ جای خوبیه این دوره معلماش عالین! دوره ی اولی که اومدم سایت ملت دور هم از یه سری افسانه اسم می بردن، جیمز سیریوس پاتر، تد ریموس لوپین و ... الان خیلی از اونا برگشتن و دارن به اعضای تازه وارد رولنویسی یاد می دن. همین به نظرم نشون دهنده ی کیفیت هاگه! کلاس محبوب من مراقبت از موجودات جادویی و دفاع در برابر جادوی سیاهه؛ مامج واقعا تکالیفش خلاقانه اس و ددبجس(خلاصه ی عجیب غریبی شد! :hammer:) واقعا تکالیفش مخصوص منه! انگار استاد واسه من سوژه میده. همینا باعث میشه این دو تا کلاس رو بیشتر دوست داشته باشم.

۱۱. پاپا شخصیت جدی و خشکی به نظر میاد. آواتارت تا حدودی تلقین میکنه این حسو. وای سو سیریوس؟ :ygrin: چرا زیاد طنز نمی نویسی؟

خب من جدی نویسم! این بهترین پاسخ به تمام سوالاتته! چرا؟ چون طنز با تمام احترامی که برای طنزنویسای سایت قائلم، بیشتر به مسخره بازی شبیه می شه توی سوژه ها تا یه طنز واقعی! می دونین نوشته های طنز به طور کلی از یه منطق روایی درست پیروی نمی کنن، خیلی وقتا بهم گفتن تو طنزتم خیلی خوبه ولی خودم مخالفم! به جز اعضایی که واقعا انگشت شمارن در تمام سایت ها، کسی طنز واقعی نمی نویسه! طنز ها بیشتر می خندونه تا اینکه یه طنز واقعی باشه. من نظرم رو گفتم و قصد جسارت یا توهین به کسی رو نداشتم. طنز هم به همین دلیل کمتر می رم سمتش!

۱۲. به نظرت بهترین نویسنده های طنز و جدی سایت کیان؟ بیشتر از همه پست های کدوم کاربر ها رو می خونی؟ فردی هست که با دیدن اسمش توی بلاک های ایفای نقش، برای خوندن پستش هجوم ببری سمت تاپیک؟:ygrin:

می دونین من کمتر کسی رو دیدم که توی این سایت جدی بنویسه، از طرفی کمتر به سراغ خوندن پست طنز می رم. اینا دست به دست هم می ده که در پاسخ گویی به سوالتون یکم لنگ بزنم. طبیعتا انتخابم واسه بهترین طنز نویس مورفین گانته! هر از چند گاهی که وقت می کنم پستاش رو می خونم، حقیقتا شیواییش متحیر کننده اس! واقعا لذت می برم از شیوایی پستاش، بهترین نویسنده ی جدی اما من واقعا پست جدی کم دیدم توی سایتتون اما اگه بخوام بهترین نویسنده ی جدی رو انتخاب کنم براساس بهترین متن جدی که خوندم انتخاب می کنم و اون شخص کسی نیست جز فلور دلاکور! واقعا پست ایشون برام جذاب بود. یه جورایی جذاب ترین پستی بود که در تمام این مدت در جادوگران خوندم. فرد خاصی اما نیست که پستاش رو بیشتر بخونم، فکر کنم پست های ویولت بودلر رو بر حسب اتفاق بیشتر از بقیه خوندم، دلیلشم اینکه خب سوژه های منو ادامه می داد.

۱۳. بهترین پست طنز و بهترین پست جدی ای که به خاطر داری خونده باشی از کی (کیا) بوده؟ میتونی لینک بدی؟

پست جدی فلور دلاکور، طنز مورفین گانت! انتخاب توی پست های مورفین چون بیشتر از یه دونه بود نخواستم یکی رو فقط لینک کنم در مورد پست فلور هم ... اینا هاش پیداش کردم! :۰۰۷:

http://www.jadoogaran.org/modules/newbb/viewtopic.php?post_id=283159

۱٤. بین نوشته‌هات، کدوم رو بیشتر دوست داری؟ اگه ممکنه لینک هم بده که ما هم بتونیم بخونیم و علت انتخاب رو بنویس.

آدم نمی تونه بین فرزنداش فرق بذاره! :ygrin: شوخی می کنم، ببین من سلیقه ام یکم با دیگران ممکنه فرق کنه، کلا این پستم رو خیلی دوست داشتم توی جادوگران، یه جورایی سعی کرده بودم خیلی از تکنیک هام رو روش پیاده کنم. فکر کنم به خوبی که می خواستم نشد ولی بازم خیلی دوست دارم. به نظرم بهترین پستم توی جادوگرانه!

http://www.jadoogaran.org/modules/newbb/viewtopic.php?post_id=284621

۱٥. انجمن محبوبت برای پست زدن کدومه؟ تاپیک خاصی هست که بیشتر دوست داشته باشی؟

ببین من بیشتر سوژه ها رو دوست دارم. الان واقعا انجمن ها رو همه رو به یه چشم می بینم، تاپیک ها رو هم همینطور! خانه ی ریدل رو قبلا خیلی دوست داشتم. یه تاپیک داشت نوری در تاریکی، خیلی الهام بخش بود اسمش! اونو خیلی دوست داشتم، گورستان ریدل ها و قبرستون آزکابان رو هم همیشه دوست داشتم.

۱٦. پاپاتونده تا الان یه شخصیت خاکستری مونده، اما چرا؟ کاملاً پتانسیل های مرگخوار شدن رو از خودش نشون میده، پس چرا تا الان مرگخوار نشده؟

چون خاکستریه! :ygrin: ببین هنوز تصمیم نگرفتم که پاپا با جادوی سیاه و قدرتش کدوم طرفیه. ببین پاپا شخصیتش توی این مایه ها نیست که بگه ارباب به یکی دیگه، خودش ارباب خودشه! اون قدر هم سفید نیست که بره توی محفل! دلیل اصلی که مرگخوار نشدم اینه که تمام مرگخوار ها یه جورایی تبعیت شدید می کنن از ولدمورت و ازش می ترسن!(توی کتاب مثل اینکه همینطوریه!) خب پاپا همچین آدمی نیست.

۱۷. بطور کلی نظرت در مورد دو قطب سیاه و سفید سایت چیه؟

قبلا (دوره ای که اسکورپیوس بودم) سیاه ها خیلی قوی تر بودن، الان تقریبا یه تعادلی برقرار بینشون! جذابه ولی کلا خیلی کم شور تر از چیزیه که باید باشه به نظرم! شایدم چون عضو هیچ کودوم نیستم، شور و حالش رو درک نمی کنم ولی به نظرم کلا یه رقابت بی

روحه، یکم هیجانش بیشتر باشه بهتره! بالاخره مرگخوار بودن یا محفلی بودن باید چیزی فراتر از نوشتن مرگخوار توی لیست عنوان های هر فرد باشه.

۱۸. نظرت در مورد مدیریت سایت چیه؟ چه پیشنهاد و انتقادی داری؟

نظری ندارم ! پیشنهاد و انتقاد هم ندارم! من و با مدیر جماعت طرف نکن!:hammer:

۱۹. ویزنگاموت چجور جاییه؟ چقدر از دید تو فعالیتش مفید و مداومه؟ انتقادات رو با گوش باز! شنیداریم. :ygrin:

جای مورد علاقه ی من توی جادوگرانه! فعالیتش عالیه، فقط کاش نقدا رو سریعتر بذارین. نیست من خیلی آدم آن تایمیم!:hammer:

۲۰. از بین نقدهایی که تا به حال روی پست هات انجام شده، کدوم نقد از چه کسی رو بیشتر دوست داشتی و چرا؟

یه نقدی بود ماله سالها پیش لینی وارنر نوشته بود. همینطوری یه ریز ازم ایراد گرفته بود! قشنگ بعد اون نقد یه جهش رولنویسی پیدا کردم به نظرم! یه سری چیزای کوچیک بود که نمی دونستم و بهم گوش زد کرده بود.

۲۱. چی شد که تیم کوییدیچ دادی؟ چرا اسمش پاپیون سیاهه؟ فکر میکنی رول کوییدیچی با غیر کوییدیچی فرق داره؟ اگر بله، چه فرقی؟

اشتباه کردم! جدا می گم، بدترین تصمیمم توی جادوگران تشکیل تیم بود. خواستم دوباره در کنار رفیقم رولنویسی تیمی رو تجربه کنم اما به یکی از بدترین تجربه های زندگیم بدل شد. اسمش پاپیون سیاهه، دلیلش یکم خنده داره! ما خیلی دنبال اسم گشتیم، بعد گفتیم خب ما یه مشت آقاییم پس می شه اسممون رو با "یون" جمع بست. اسم منم پاپا بود. ما اسم تیم رو گذاشتیم پاپایون(مریدان پاپا:hammer:) بعد دیدیم خوانشش مشکل داریم یه الف رو حذف کردیم. شد پاپیون! گفتیم خب رنگ لباس تیممون رو هم توی اسم دخالت بدیم. شد پاپیون سیاه! به همین سادگی به همین خوشمزگی! :ygrin:

پست کوییدیچی هم به هماهنگی های بیشتری احتیاج داره و از این لحاظ خیلی جذاب تر و سخت تره! واقعا اگه تیممون جوری جفت و جور می شد که در آرامش رول بنویسم و بچه ها همکاری می کردن، الان خیلی از شرکت توی کوییدیچ لذت می بردم.

۲۲. تجربه ی لیگ تا اینجا برات چطور بوده و نظرت در مورد مدیریت فدراسیون و داوری ها چیه؟ نظرت رو جداگانه در مورد هر چهار تیم رقیبت بگو.

بالا جواب بخش اول سوالت رو دادم. داوری ها توی هیچ مسابقه ای باب میل من نبوده، این از کج سلیقگی منه، نه داوری ها کار مدیر هم برای اولین تجربه خوب بوده! من نظرم رو توی یه جمله راجع به هر تیمی می گم:

کیو.سی. ارزشی: از اینا دیگه خفن ترم هست؟!

دو نصفه جارو: تنها تیمی که امید داشتیم ببریم!

ترنسلوانیا:تیمی که در بحران ها غرق شده بود!

خرس های تنبل: تیمی که فکر می کردم خیلی بهتر از این حرفا باشه.

۲۳. به نظرت جادوگران تا کی به حیاتش ادامه میده؟ اگه روزی پایان کارش نزدیک باشه، چه حسی پیدا میکنی و چی ازش یادگاری میبری؟

فکرکنم بهترین سایت رولنویسی فارسی جادوگران، چه سایتای دیگه خوششون بیاد، چه خوششون نیاد! این سایت فکر کنم نزدیک ۱۰ ساله سر پاست و فکر می کنم حالا حالا سر پا بمونه! اعضاش واقعا عالین، بشنوم بسته شده واقعا ناراحت می شم و چیزی که ازش یادگاری می برم یه مشت خاطره اس که باعث می شن، لبخند بزنم.

۲۴. دوستانی که تو سایت پیدا کردی رو اسم ببر و تاریخ تولد یکیشون رو بگو. کدوماشون رو دیدی و کدوماشون رو دوست داری ببینی؟ چقدر این دوستانی که تو فضای مجازی باهاشون آشنا شدی، وارد دنیای واقعیت شدن؟

خیلیا بودن! رز ویزلی، گودریک گریفیندور(همون دوره ای که اسکور بودم)، روفوس اسکریم جیور، تام ریدل، ماندانگاس فلچر، لینی وارنر، کلاوس بودلر، باری ادوارد رایان و ... (بخوام بنویسم شاید دو سه صفحه طول بکشه تا تموم بشن!:ygrin:) شاید یه نفر اسمش جا افتاده و از همه مهم تره!(خب بهتون بر نخوره واقعا مهم تره دیگه!:hammer:) اونم کینگزلی شکلبوت یا پروفسور تافتی یا هر اسم دیگه ایه! رضا واقعا رفیق خوبیه و تنها کسیه که دیدمش از این بین!

ببین من یه چیزی می گم، مادامی که کسی رو نبینم باورش نمی کنم، دوست های مجازی هم برام یه سری آدم مجازین واقعا! شاید براشون بیشتر از رفیقای واقعیم وقت بذارم ولی هیچوقت برام جای رفیقای واقعیم رو پر نمی کنن، کسی که دوست دارم ببینم کلاوس بودلر، دوست دارم بهش یه درس حسابی بدم. :come2: خودشم می دونه چی می گم!

۲۵. نظرت رو در مورد افراد زیر بگو:

- لرد ولدمورت: بهترین عضو سایت جادوگران(بر اساس زمانی که اسکورپیوس بودم، جواب دادم.الان ایشون یکم کمتر از قبل کار هاشون رو دنبال می کنم.)
- آلبوس دامبلدور: به نظرم طنز نویس خوبیه.
- ویولت بودلر: از طرز حرف زدنش خوشم میاد.
- لودو بگمن: زیادی جدی می گیره!
- آنتونین دالاهوف: رفیق کم حافظه.
- تد ریموس لوپین: یه جادوکار عالی!

۲۶. چقدر به جادوگر درون آدما اعتقاد داری؟ ورد یا طلسم محبوبت چیه؟

جادوگر درون آدما ... اعتقاد ندارم، این قضیه ی رازه(کلاوس پرسیده بود.) و جادو جنبل این حرفا یکم برام غیر منطقی، من کلا آدم عقل گرایی هستم، منطق هر چیزی حکم کنه همونه! منطق هم رد می کنه جادو رو به نظرم! طلسم محبوبم ، طلسم فرمانه! این که بتونی یه نفر دیگه رو کاملا کنترل کنی، مثل عروسک خیمه شبازی واقعا جذابه!

۲۷. امیر جلوی آینه‌ی نفاق انگیز چی می‌بینه؟ پاپاتونده چی؟

سوال جالبیه، نمی دونم والا، آرزوی قلبیم چیه! والا فکر کنم دلم خودم رو یه آدم موفق ببینم، با یه خانواده، یه زندگی سالم به دور از مشکل! آرزو پاپاتونده راحت تره اون می خواد جادوگر ها توی راس قدرت ببینه، جادوگرا بر تمام دنیا حکمرانی کنن از این حرفا!

۲۸. اگه یه دیوانه ساز بهت نزدیک شه، چی رو به یادت میاره پاپاتونده؟ در واقع بدترین خاطره ای که داشتی چی بوده؟ چی به یاد امیر میاره؟

خاطرات بد زیاد داشتم و خیلیاش رو نمی تونم بگم، به خاطر همین بهتون کلید واژه می دم! (این یه مدلشه دیگه) تصادف ... شرم ... مرگ ... خجالت ... دعوا ...خفگی ... نه نه دوستان من کسی رو وسط دعوا نکشتم بر حسب تصادف خفه اش کنم بمیره و بعد خجالت بکشم شرمم بیاد. اینا هر کودوم نماد یه خاطره اس! :hammer: مرگ رو هم براتون تشریح می کنم که مشکوک نشین بهم! پدرم که فوت کرد فکر کنم تک تک خاطراتش، تک تک لحظه های زندگیم تا ۶ ماه (شاید تا همین حالا) بوی مرگ می داد! ببخشید من اهل خاطره تعریف کردن نیستم!

۲۹. سوال مخالف قبل، برای دفع اون دیوانه ساز چجوری سپر مدافع میسازین؟ به چه خاطره ای فکر میکنین؟

خب من خاطره تعریف نمی کنم بازم می گم که بهتون کلید واژه می دم. برادری ... خانواده ... یه سیخ کباب(من شکمو نیستم!) ... ۱۳ به در ... نوشته هام ... موفقیت ... امیدوارم از سبک خاطره تعریف کردنم ناراحت نشین!

۳۰. اگه میتونستی مالکیت یکی از یادگاران مرگ رو داشته باشی، کدوم رو انتخاب میکردی و چرا؟

سنگ رو انتخاب می کردم. دلم می خواد چند نفری رو از مرگ برگردونم، فقط برای پرسیدن یه سوال، شاید یه عذر خواهی، شاید برای اینکه یه چک بذارم زیر گوش یارو و سرزنشش کنم! بعدشم دوباره می فرستمشون دیار باقی!(من مشکل روانی ندارم باور کنین!:hammer:)

۳۱. بریم سراغ شاخه سوالای مربوط به کتاب‌ها و فیلم‌های هری پاتر... از چند سالگی با هری پاتر آشنا شدی؟ اول از طریق کتابا بود یا فیلما؟

فیلما هنوز فکر کنم همون سال جام جهانی بود، ۱۲ سال پیش به عبارتی!

۳۲. وقتی که مجموعه رو تموم کردی چه حسی داشتی؟ بهتر بگم.. هری پاتر با هفت جلد کتاب و هشت تا فیلم چی بهت داد؟

هیچ وقت مجموعه رو تموم نکردم، از فیلم هایی هم که دیدم فقط لذت بردم، همین!

۳۳. بخشی از کتاب های رولینگ بوده که آرزو کنی کاش تو جای رولینگ بودی که جور دیگه ای می نوشتیش؟ اگر آره، کدوم بخش؟ و اگه دوس داری تو یه پاراگراف خلاصه ش کن.

والا بخش های جام آتش رو دوست داشتم یکیش رو بنویسم یا شاید آخر کتاب هری رو هم می کشتم یه جورایی. کلا از هپی اندینگ خوشم نمیاد! ولی یه بخش از جام آتش فقط برای اینکه خیلی جذابه! چون نخوندم نمی دونم که دوست دارم عوض کنم یا نه!

۳۴. کتاب‌ها رو به ترتیب محبوبیتشون مرتب کن!

نمی تونم چون نخوندم.:ygrin:

۳۵. شخصیت محبوبت کی بود؟ با کدوم کاراکتر بیشترین همذات پنداری رو داشتی؟

والا از بچگی دراکو رو خیلی دوست داشتم، چون کتابا رو نخوندم ولی نه چندان شخصیت مورد علاقه داشتم نه کسی که با هاش همذات پنداری کنم.

۳۶. کدوم از بازیگرها موفق‌تر بودن در به تصویر کشیدن شخصیتشون و به تصوراتت از کتاب نزدیک‌تر بودن؟

والا بازی ولدمورت توی فیلم هفت به نظرم خیلی متحیر کننده بود با اینکه کامل هیچوقت ندیدم، نمی تونم دقیق به این سوال جواب بدم ولی به نظرم پیتر پتی گرو و ولدمورت فیلم ها رو خوب بازی کردن.

۳۷. الان صحبت از ساختن فیلمی بر اساس کتاب جانوران شگفت انگیزه. این خبر چه حسی بهت میده؟

حس خاصی بهم نمی ده، اصلا نمی دونم چی هست!

۳۸. دوست داری خانم رولینگ بازم داستان‌هایی بر اساس هری پاتر بنویسه؟ مثلا به جای همین فیلم، رمان داستان نیوت اسکمندر رو می‌نوشت؟ یا مثلا در مورد غارتگرها کتابی چاپ میکرد؟

آره دوست دارم داستان هایی از سالها بعد هاگوارتز بنویسه! مثلا زمانی که هری پاتر مرده و نسل های بعدی اومدن، یاد ازش می کنن، می دونی چی می گم یه داستان دیگه کاملا ولی توی همون فضا! همون هاگوارتز، همون گروه ها و مثلا آلبوس سوروس پاتر و اسکورپیوس مالفوی توش باشن. فکر کنم جالب باشه.

۳۹. عضو پاترمور هستی؟ اگه آره چقدر ازش استفاده میکنی؟

خیر عضو نیستم!

۴۰. در مجموع بگو چقدر اهل خوندن کتابای ژانر فانتزی هستی و بهترین کتابی که تو این ژانر خوندی کدومه.

اصلا اهلش نیستم، آخرین کتابی که توی سبک خوندم رو یادم نیست! بچه بودیم، امیلی رودا و یه یاروی دیگه بود، اسپایدرویک می خوندیم. ولی هیچ کتاب فانتزی منو چندان جذب نکرد.

۴۱. چه سبک ادبیات رو بیشتر می پسندی؟.. بهترین داستانی که خوندی رو با اسم نویسنده نام ببر.

رئال، یعنی واقع گرایی که توش هست، توی هیچ چیز دیگه ای نیست! من دوست دارم بهترین فیلم نامه ای که دیدم رو اسم ببرم! این فیلم براساس کتابی با همین اسم نوشته شده، کتابی به اسم پرنده ای بر فراز آشیانه ی فاخته(فیلمش به اسم دیوانه از قفس پرید معروفه تو ایران این ترجمه تحت الفظیه!) نویسنده ی این کتاب کن کیسیه. فیلم این کتاب که در سال ۱۹۶۲ نوشته شده در سال ۱۹۷۵ ساخته شده و اسکار اون سال رو گرفته. اگه ندیدین حتما ببینین!

۴۲. کجا ها دیگه می نویسی؟ وبلاگت؟ سایت های ایفای دیگه؟ اصن داستان هم می نویسی؟ اگه دوست داشتی از نوشته هات آدرس بده.

وبلاگ شخصیم: www.kag-sokhte.blogfa.com سایت رولنویسی گاتیفا: www.gotifa .ir داستان هم می نویسم ولی نمی تونم بهتون آدرس خاصی بدم، Documents کامپیوترم!:hammer:

۴۳. الگوی اخلاقیت تو زندگی کیه؟ اگه میتونستی به سه شخصیت مهم (زنده یا مرده!) چای بنوشی و گپ بزنی، کیا دعوت میشدن؟

الگوی اخلاقی؟! این سوالی که همیشه از مردم می پرسم، اولین باری هم هست که کسی ازم این سوال رو می پرسه! جالبه من الگوی اخلاقی ندارم، از هر کی یه چی کف می ریم برای بهتر شدن! سه نفری که دعوت می کنم هم رامبد جوانه، خیلی دوستش دارم خیلی هم با هاش خوش می گذره احتمالا، بین جوان و عطاران مونده بودم که جوان رو انتخاب کردم. یکی دیگه از انتخابام جک نیکلسونی که بین سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۵ زندگی می کرده، فقط می خوام ازش تشکر کنم بابت این که اینقدر بازیگر خوبیه و تحسینش کنم و این حرفا ... آخرین نفر اما دوست دارم یه نفر رو از قبر بکشم بیرون، کسی که به میل خودش رفته توی قبر! انتخاب آخر من صادق هدایته، فقط برای اینکه ببینم چی تو کله اش بوده، این بینش از کجا اومده و این حرفا ... می تونستم خیلیای دیگه رو انتخاب می کردم ولی سعی کردم هر کی رو به دلیل خاصی دعوت کنم و بهترین آدم ها رو برای هر کودوم از دلیل هام.

۴۴. بچه که بودی، وقتی ازت میپرسیدن بزرگ شدی میخوای چیکاره بشی، جوابت چی بود؟ الان چقدر به اون رویا نزدیکی؟ خودتو ۵ سال دیگه کجا می‌بینی و آرمانهات چیه؟

می گفتم مهندس می خوام بشم، ایده ای نداشتم چجور مهندسی! تا ۵ ساله دیگه هم مهندس می شم ولی بازم ایده ای ندارم مهندس چی؟! :hammer: ببین من تا سال گذشته و با تفکرات سال گذشته ام الان به راحتی می تونستم رشته ی مورد علاقه ام رو قبول بشم و خب یه گام به آرمان هام نزدیک بشم اما زمان انتخاب رشته ی امسال کلا همه چی تغییر کرد؛ خودم، هدف هام، رشته های مورد علاقه ام! این نشون می ده که آرمان ها ثابت نیستن. آرمان ها براساس موقعیت تغییر می کنن. من کلا سعی می کنم آرمان هام رو براساس موقعیتم انتخاب کنم و الان به آرمان هام خدا بخواد نزدیکم.

۴۵. چه کاری بهت آرامش میده؟ مثلا وقتی که خیلی اعصابت خورد باشه، چیکار میکنی که به آرامش برسی؟

نوشتن، آهنگ گوش دادن، فلسفه بافی، حرف زدن، همینا بیشتر آخری البته!

۴۶. تفریحات مورد علاقه‌ات چیه؟ ترجیح میدی اوقات فراغتت رو تنهایی بگذرونی یا با خونواده یا با دوستان؟

نوشتن یکی از تفریحات مورد علاقه ی منه! مسافرت هم برای تنوع خوبه! دوست دارم در کنار خانواده دوستان باشم بیشتر، می دونین تنهایی مزیت های خودش رو داره که گاهی لازمه اما در جمع بودن، حس سرخوشی عجیبی به آدم می ده! حداقل به من که می ده!

۴۷. اهل بازیهای کامپیوتری هستی؟ اگه جواب مثبته، کدوما رو بیشتر دوست داری؟

آره بازی های سونی یک! چیه چرا اینطوری نگاه می کنین؟! خب خیلی با حالن، کراش بندیکوت و ماریوی میکرو رو با هیچی عوض نمی کنم! آقا اصلا من مگه به شما می گم چرا اساسینز کرید یا کانتر دوست دارین؟ هیتمن هم کلا خیلی دوست دارم. من کلا آدم نوستالژی بازی هستم.

۴۸. بازی های کامپیوتری هری پاتر رو انجام دادی؟ اگر بله، راضی بودی؟ به کدومشون بیشتر علاقه داشتی؟

یه سریا رو آره فکر کنم بهترینش به نظرم بازی کامپیوتر بود، هری پاتر سه، توی سونی یک هم دو تا بازی داشت برای هری پاتر یک و دو من بازی هری پاتر یک رو خیلی دوست داشتم، یه حالت فکری هم داشت اما بازی هری پاتر پنج یا چهار با اینکه موضوع هاشون خیلی جذاب بود، اصلا بازی های جذابی نداشتن!

۴۹. چه سبک موسیقی رو دوست داری؟ خودت هم ساز میزنی یا سازی هست که دوست داشته باشی یاد بگیری؟

سبک بلوز و شاید کانتری رو به بقیه ی سبک های موسیقی ترجیح بدم. می دونین راک و رپ رو هم دوست دارم ولی اگه راکش خیلی هارد بشه و رپش خیلی پارتی و دیسکو دیگه دوست ندارم! ساز نمی زنم، اگه بخوام بزنم درامز یا پیانو(چه ربطی بهم دارن خودمم نمی دونم!:ygrin:) بدم نمیاد بزنم ولی اصلا دوست ندارم ساز بزنم! راستی صدای ساکسیفون رو بیشتر از هر ساز دیگه ای دوست دارم!

۵۰. اهل فیلم و سینما و سریال‌های تلویزیونی چی؟ هستی؟ چقدر دنبال میکنی؟ بهترین فیلم و سریال، هم ایرانی و هم خارجی که دیدی چیه؟ در کل چه ژانری رو ترجیح میدی؟

ژانر درام رو ترجیح می دم شدیدا اهل فیلمم! هفته ای یه فیلم رو می بینم. بالطبع بهترین فیلم خارجی که دیدم دیوانه از قفس پرید ساخته ی میلوش فورمنه! این فیلم خارق العاده اس! (one flew over the cuckoo's nest) بوده. فیلم ایرانی زیاد ندیدم ولی زیر درختان زیتون رو شاید کامل کامل ندیدم ولی فوق العاده بود، ۴۰ دقیقه ی پایینیش! زیبا بود زیبا! حتما پیشنهادش می کنم به همه! آهان سلام سینما هم فیلم خوبیه، گیرتون اومد ببینین!

۵۱. اهل ورزش هستی؟ ورزش مورد علاقه‌ات برای تمرین و برای تماشا چیه؟ تیم مورد علاقه‌ات؟

کلا ورزش نمی کنم، ورزشی هم که برای تمرین دوست دارم انجام بدم(بیشتر تفریح البته!) بدمینتونه ولی ورزشی که دوست دارم برای تماشا والیباله! واقعا جذابه، تیم مورد علاقه هم توی فوتبال مجبورم بگم! زیاد فوتبالی نیستم ولی از بچگی منچستر یونایتد و پرسپولیس رو دوست داشتم، رئالم دوست دارم!

۵۲. تو شبکه‌های اجتماعی چقدر فعالیت داری؟ به نظرت ضررشون بیشتره یا نفعشون؟

فعالیتی ندارم(اگه یاهو جز شبکه های اجتماعی محسوب نشه!) نفع خاصی درشون نمی بینم فقط وقتت رو می گیرن!

۵۳. چقدر جادوگران رو شبیه یه شبکه‌ی اجتماعی می‌بینی؟

من بیشتر دوست دارم بهش به عنوان سایت داستان نویسی نگاه کنم، یعنی درسته کارمون داستان نویسی در قالب روله و رول با داستان کیلویی فلان قدر فرق داره ولی به نظرم یه سایت داستان نویسی گروهیه!

۵۴. نظرت در مورد نحوه‌ی اداره‌ی قلم‌پر، کمیت و کیفیت سوالا رو دوست دارم بدونم. پیشنهاد؟ انتقاد؟

کمیتشون زیاد بود، کیفیتشون خوب بود!

۵۵. از سوالاتی که بچه‌ها پرسیدن، اگه سوالی مونده که دوست داشتی جواب بدی، لطفا اضافه کن و خودت جواب بده

نمی دونم والا نه به نظرم خوباش رو جواب دادم!

۵۶. پیشنهاد برای مهمون بعدی؟

یوآن یا آشا.

۵۷. و کلام آخر... هر چه میخواهد دل تنگت بگو!

میشه دیگه چیزی نگم؟! :hammer: از اینکه دعوتم کردین خوشحالم و تشکر می کنم ازتون!

ممنون پاپا برای وقتی که گذاشتی ... خسته نباشی! :flower: